

بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حجت پارس بیگ نبی که مشی انقلابی غرب توده ایران، در دفاع از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن و هجرت از مواضع ضد امپریالیستی در سری خط امام، را با انگیزه های مختلف مورد سوال قرار می دهند، اقدام به کشیم مقاله زیر که در شماره ۱۴۳ "مردم" در گمان مرکزی غرب توده ایران مورخ ۲۵ دی ۱۳۵۸ چاپ شده است، می نمایم.

اعضای و برادران حزب توده ایران در ذرات

به ما میگویند:
- آیا اشتباه نمیکنید؟
- آیا نگران نیستید؟
- آیا درست حسابش را کرده اید؟



شماره ۲۵ دیماه ۱۳۵۸
شماره ۱۳۴
دوره هفتم - سال اول

گر انتهای ضد کمونیستی نیز وجود دارد.
۳- مشی چپ امپریالیستی که می تواند صادقانه حساب شده نداشته، و منشی خالی از صداقت چپ نمایی، که داشته انقلاب ایران را تضعیف میکند.
۴- مشی حزب توده ایران، که در دوره تاریخی کنونی بدترین مبارزه ضد امپریالیستی و خلقی، با مشی امام خمینی اظهار ندارد. و پشتیبانی حزب توده ایران از مشی امام خمینی بر این اساس است، ام از آنکه حواشی آن چه باشد.
بعضی سیاست بازاری که تصور می کنند می تواند حزب توده ایران را با تصاحب خود گمراه کند، میگویند.
حزب در گزینش راه خویش سنجیده عمل کرده و عواقب ناپذیر و راکتور نظیر گرفته است و نیازی به تصحیح آن باقی ندارد.
به همه دوستان دلسوز، ولی مستطاب که میفرسند مبادا حزب در فشار، غوغایی شرکت کرده باشد، میگویند.
شما که مردم میدان مبارزه نیستید، از ما فاصله بگیرید، مبادا زبانی متوجه شما شود.
به تمام انقلابیون اسیر و پاکیزه، کوشش به دست دراز مستند نبیند، از حواشی آن باکی ندارد.
میگویند.
به آشوبش حزب توده ایران بیاید، گمراهی جای شگفتی.

کنند و کسانی هم ما را میفرسانند که در جاده خط ناک و بی سرانجام و لغزان و موقتی کام گذاشته ایم و فریادت که با شمشیر برای امپریالیسم آمریکا و پسا دفته زنی آگن و لائوس آخوندی، کار ما را خواهد ساخت! بالآخر، نمی بینیم، فرصت طلبیها محاذه - جوان! البته نه این و نه آن، بلکه حیزی که مسئولیت تاریخی خود را تقصیر می داند و پسرانسی تحلیل علمی خود عمل میکند و با پیشداوری وارد صحنه نمیشود. تنها این پیشداوری که دنیا لوری و فرصت طلبی کند تا خود را از حواشی بیه امید و نه با این پیشداوری که سیاست مستطاب و میبهد نامینی را در پیش گیرد و موافق توصیه عرفی شهرت می کند که گفت: «چنان با نیک و بد خو کن که بعد از مرگت، حرفی بسوزاند.»
تعلیل ما از جریسان ساده است. صرف نظر از ضد انقلاب، که مشی ضد انقلاب خود را در لباسها و اشکال گوناگون دنبال میکند، در ایران چهار جریان عمده وجود دارد.
۱- مشی بودواواری لیبرال، که فرانسوارادامه دارد شمسرایب.
۲- مشی دکتوراسی انقلابی (فترت های متوسط جامعه دشمن و حد، بدعبری امام خمینی) که خواستار محدود کردن سرمایه داری و مبارزه با امپریالیسم است. در همین حال در بین هواداران این مشی

بازاری و غیر انقلابی میدانیم و بدان ابتدا و اصلا و بهیچوجه معتقد نیستیم.
تمام کسانی که در این زمینه سوء تفاهمی دارند، از این سوء تفاهم خارج شوند.
ملاک سیاست حزب ما ملاک اصولیت است. بدین معنی که در مرحله کنونی تمام تاریخ کشور ما، کدام سیاست در مناسبت خلق ایران است. امم از این که این سیاست بهیروزی آسانی برسد یا برای نبل بهیروزی هنوز راه بسیار دشواری را در پیش داشته باشد و هنوز باید مبارزات سخت و طولانی انجام گیرد.
و فرما تقصیر دادیم که سیاست پشتیبانی از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی بین انواع مشی های راست و چپ دیگر، که اکثر در ایران مطرح است، خلق ترین سیاست است. در آن صورت با قاطعیت در این راه، بهیروزی از حواشی فحشی یا جسی آن، کام میگذارد. معنای انقلابی بودن، معنای مبارزه انقلابی کردن چیز این نیست. مبارزه انقلابی سوداگری نیست. منطق اینجاست که به مشی سیاسی حزب توده ایران درست از دو نقطه مطالب و معنادر عمل می شود. کسانی میگویند، حزب توده ایران از ازل فرصت طلبی و دنباله رو و فاقه جارت انقلابی بوده و لذا دوش دنیا لوری امام را گرفته است تا از فرست استناد.

الروای، برخی از راه دلسوزی صادقانه و محبت آمیز، برخی بملت جهالت و علمگیری سیاسی و بعضی دیگر به انگیزه های مودعیه به ما میگویند: «آیا شما فکر نمیکنید که در حمایت گری از مشی امام خمینی خطی جلو رفته اید؟ آیا شما فکر نمیکنید که اگر دوشی برگزیده شما باین سبب باز دیگر دچار عوارضات و زیانهای سیاسی و جانی خواهد شد؟ آیا شما فکر نمیکنید که خود ایران امام، اگر بر اوضاع و معائنات خود بهیروزی نهایی دست یابند و خود را از فشار معائنات خلاص کنند، با شما معامله بدی خواهند کرد؟ آیا بهتر نیست که شما مطلقا باشید و طوری عمل کنید که جریاناتی دیگر سیاسی موجود در کشور، هیچکدام از شما کاملاً مأیوس نشوند و سر نوشت شما با سر نوشت آنها یک جریانی (مشی امام) گره نخورد؟»

در این زمینه سخنان مفصل و مکرر گفته میشود. همه این سخنان از این مقدمه زمینه گیری ناشی میشود که گویا سیاست یک حزب باید سیاسی باشد که بدون مبارزه بهیروزی، حتی بهیروزی

زودیک بیایند. مبارزه دیگر، سیاست حزب یعنی سیاسی کم سود آور باشد.
سیاسی سود آوری و بهیروزی زودیک را برای سیاسی یک حزب، ملاک سوداگرانه و

بیانیه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بردشواری های تثبیت، تحکیم و گسترش
انقلاب شکوهمندمان چیره شویم!

تکثیر از سازمان فدائیان خلق ایران تقسیم فرانسه هوادار سازمان فدائیان خلق ایران « اکثریت »

بیانیه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم!

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اعتقاد راسخ به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همه نیروهای وادار به آماج های انقلاب شکوهمندمان، نخستین گام را برای با هم پیوستن چنین اتحادی برمی دارند و با ارائه یک تحلیل مشترک از لحظه کنونی، اردشوارها و راه چیره شدن بر آنها، همه نیروهای انقلابی راستین را، صرف نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین کفرضه، مسلکی برهه، توطئه های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرامی خوانند.

دشواری های انقلاب ***

همه هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع بین جمهوری اسلامی ایران در این ارزیابی متفقند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری های فراوان روبروست.

بررسی کمی موشکافانه تر نشان می دهد که این دشواری ها به طور عمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئه همه جانبه و پیگیر جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران در خارج و داخل کشور:

۲. کمبودها و نارسایی های ناشی از بی تحرکی ها، اشتباهات، تنگنری ها، خودمحوری ها و ارزیابی های نادرست، از سوی بخش مهمی از نیروهای مدافع انقلاب و مسئولان جمهوری اسلامی ایران.

۱- آنچه که از سرچشمه اول بیرون می ریزد، مجموعه اقدامات کین توزانه ای است که به وسیله طیف گسترده جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با دستکاری همه عوامل شناخته شده و شناخته نشده اش در جهان و ایران، بی دربی علیه انقلاب سپس با انجام می گردد. حتی از این اقدامات قابل دیدن و محسوس است، مانند: محاصره اقتصادی ارسوی آمریکا و همدستانش در اروپای غربی و ژاپن، توقف دارایی های ایران، توطئه کودتای طیس، کودتای بوزه، حمله نظامی رژیم صدام به ایران، ایجاد آتوب و شورش صدامتغالی در کردستان، توطئه برای مسخ و منحرف ساختن انقلاب به ناری دست آمیزانی چون امیرانظام ها، فتنه پادها، بردی ها، بی صدزها، ملاضیاها و توری ها و دیگر لبرال های آمریکازده "جبهه ملی"، "نهضت آزادی"، "رئیسری ها" و سایر گروهک های آمریکاساخته، و سرانجام اجرای فتنه های تروریستی - بخشی به دست ساواکی ها و سلطت طلبان و جنایتکاران خردهای و بخشی به دست گمراهان و بازی خوردگان جوانی که به اکت سی اراده، اجرای دستورهای سبکراهه، رهبران خاش خود تبدیل شده اند.

۲- گروه دیگر دشواری های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به آسانی قابل دیدن است. این دشواری ها از یکسو به دست ستون بجم امپریالیسم در زمینه های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و استکان به امتار مبارز جبهه اتحاد می شود، و از سوی دیگر به دست ستون بجم سایر امپریالیسم، یعنی ساواکی ها و سایر نهنگه های آمریکا که خود را در نهنگه های انقلابی و مقامات مسئول کشوری و لشکری و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در نهنگ "سلسلسان متعدد" جازده مانده، این عناصر با خرابکاری های اقتصادی و سیاسی خود نظام جمهوری اسلامی ایران را مانند خوره اردرون می جویند و ناتوان می کنند و به شیوه های مورانه تخم نفاق و دشمنی در میان سازران راه انقلاب- اعم از مسلمانان ساز و دیگر نیروهای مدافع راستین انقلاب می کاریند.

توطئه، ناراضی تراشی یکی از عمده ترین نهنگه های دشمنان انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. این دشمنان سوگند خورده، انقلاب، در دوران دوسال وسیعی که از پیروزی انقلاب می گذرد، با این واقعیت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده اند که، بدون ایجاد ترلزل در پایگاه اصلی انقلاب، یعنی در میان توده های دهها میلیون رحمتکان شهر وروستا، ضربت زدن به انقلاب نشیبه، مطلوب برایشان بسیار خواهد آورد.

از این رو است که ناراضی کردن توده های میلیونی یکی از مهم ترین بخش های فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می دهد. این عمل به شیوه های گوناگون انجام می گیرد: هم از راه جلوگیری از درگوشی های سنادی به سود محروسان جامعه، تحریب در تولید و امراضی سکاری، کران کردن کالاهای مورد نیاز همگان و غارت روز افزون درآمد ناچیز رحمتکان به دست سرمایه داران زالوصت، و هم

انقلاب شکوهمند ضدسلطنتی، ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی سپس عریما، که به درستی یکی از بزرگترین رویدادهای سیاسی سال های اخیر جهان ارزیابی می شود، لحظاتی بسیار حساس و مرموز است. ساری را می گذراند، این حساس بودن از آن جا ناشی می شود که انقلاب بزرگ مادرلحظه، کنونی، در گمگ یکی از سخت ترین نبردهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است.

ویژگی برجسته لحظه کنونی انقلاب ما در این است که از یکسو با درهم شکسته شدن توطئه، نازشگران و تسلیم طلبان لبرال و گمراهان چپ رو، سد بزرگی از سر راه برای زورتن انقلاب در دوست گیری اساسی اش یعنی ستگیری ضد امپریالیستی و ستگیری مردمی برداشته شده است و از سوی دیگر مقاومت عمودانه و حیانت کارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش شدت حیاید.

بدون تردید هر سود امام خمینی، رهبر انقلاب و ستانگذار جمهوری اسلامی در باره لزوم اتخاذ تصمیمات همه جانبه و مردم محورانه و نفوی اختیارات مهمی در این زمینه به مجلس شورای اسلامی، گام تاریخی است که در جهت ایجاد شرایط ضروری برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و پیوستن سوسی تاسیس دولت اجتماعی برداشته شده است این گام تاریخی همه نیروهای انقلابی را هم در جهت سازندگی و هم در جهت

سازده علیه همه توطئه های ضدانقلابی و سرچشمه های این توطئه ها به توان تر ساخته است. مقاومت عمودانه و بی سختهانه دشمنان انقلاب شدت پیدا می کند و اراده نیروهای عظیم انقلابی میهن ما را در هم شکستن این مقاومت هر روز سخت تر و توان آن ها هر روز بیشتر خواهد شد. دشواری بر سر راه بیشتر شدن انقلاب شکوهمند سپس با هنوز بسیار است ولی توان انقلاب برای چیره شدن بر این دشواری ها سرمایه بسیار است.

انقلاب شکوهمند ما که با ترک همه شیوه های ضد امپریالیستی، آزاد بخواه و مردمی و با انکار کم نظیر توده های دهها میلیونی رحمتکان شهر وروستا و به رهبری مادرایت امام خمینی، با پیروزی بزرگ تاریخی خود، صربه، بسیار دردناکی بر بزرگ دشمنان سوگند خورده، خلق های کشور ما و بیش از همه بسیر امپریالیسم جهان خوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوج گیری خود، آماج کینه آشتی ناپذیر این دشمنان قرار گرفت. اکنون وضع چنین است که امپریالیسم آمریکا، در مقام سرکرده، همه دشمنان انقلاب ایران، یعنی: امپریالیسم جهانی، رژیم های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضدانقلاب کشور ما، پس از آن که تجاوز جنایت سار آمریکایی - صدامی به خاک میهن ما به اهداف خود نرسیدو آخرین توطئه شان که به دست بنی صدر سباده می شد، با ناکامی روبرو گردید، تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئه تازه ای در جهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

مناسر بچنگانه، این توطئه خطرناک چنین اند:

۱. تثبیت حاکمیت منکی به قانون و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج در جامعه، به کمک ترویج تروریسم کور و ایجاد کانون های خورش و بهره گیری از تجاوز نظامی عراق و جنگ تحمیل شده به میهن ما، تجاوز در مرزها و درگیری کردن کشور ما در جبهه های دیگر؛
۲. تشدید دشواری های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از خارج و خرابکاری های اقتصادی از راه احتکار گرانفروشی و غیره به وسیله عازنکران داخلی؛
۳. روشن کردن و دامن زدن به آتش نفاق، چنددستگی و زدو خورد میان نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی؛
۴. تشدید همه جانبه عوامل ناراضی کننده، قشرهای گسترده، مردم شهر و روستا؛
۵. انحلال هرچه بیشتر در مسابسات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای و جسرهای همه نیروهای جهانی پشتیبان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امیدوارند که با کامیابی در این بحر حمت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن جهان نابود سازند که برانداختن آن از راه صربه ای از درون ویا از بیرون و یا از راه هارزد خاشی ماسد سادات و با محفظ الله امین، بدون دشواری احام بپذیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود در برابر انقلاب، بر آنست که تنها با تمحیز و اتحاد همه نیروهای وادار به آماج های انقلاب می توان این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را با کمترین تلفات مهم گذشت، انقلاب را در جهت رسیدن به این آماج ها پیش برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، در برابر شیوه های آمده دشمنان انقلاب گردن نایز برداخت.

بی‌تیمه‌ترنگ ...

از راه‌های بسیار زیگانه و موزیانه‌ای مانند ایراد فشارهای مکنی غیرضرور به مردم در زمینه‌های مختلف زندگی آنان، و سرانجام از راه تصفیه‌های مشکوک که هدفش در بسیاری موارد برکنار کردن عناصر وفادار به انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران از کار و جایگزین کردن آنان با عناصری از قماش امیر انتظامی‌ها، کلاهی‌ها، کشمیری‌ها، صادق‌ها و مزی‌ها در سطوح مختلف است.

مجموعه این دشواری‌ها، یعنی هرآن چه که محصول مقاومت کین‌توزانه و آشتی‌ناپذیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امیرالیهام آمریکا است، از همان روزهایی که پیروزی انقلاب در افاق پدیدار شد، قابل پیش‌بینی و بخش عمده‌ای از آن‌ها بی‌تردید قابل پیش‌گیری و اجتناب بود. تجربه، دها و دوما انقلاب مردمی و خدایمان‌بستی در سراسر جهان نشان می‌دهد که در آن انقلاب‌ها نیز نیروهای ضدانقلاب خارجی و داخلی تقریباً مین همین توطئه‌های تبهکارانه را عین کرده‌اند. این که این توطئه‌ها تا چه حد توانسته است در این یا آن انقلاب مشخص موفقیت‌آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم‌بستگی و آمادگی نیروهای باسدار و نجیبان انقلاب برای رویارویی با این توطئه‌ها داشته است.

با کمال تأسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی امیرالیهام جهان‌سوار آمریکا، توانسته‌اند، با بهره‌گیری از نقاط ضعف نیروهای انقلابی، برای بخش مهمی از توطئه‌های خود یوشن‌هایی به دست آورند. دشواری‌هایی که از سرچشمه دوم بعین می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این‌دسته از دشواری‌ها، در مجموع عود، محصول برخی عملکردهای صغی نیروهای فعال انقلابی است، چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند و چه آن بخش که بدون حرکت در حاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته در این میان مسئولیت بخش اول طبعاً سنگین‌تر از مسئولیت‌بخش دوم است. در عین این که هر دو بخش در برابر خلق و تاریخ و انقلاب جوابگوی عملکرد خوبند و اشتباه یکی نمی‌تواند به عنوان عذر و سپانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

در این‌دسته از دشواری‌ها، آنچه از بی‌تجربگی و با کم‌تجربگی و با احتی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند در چهارچوب معنی قابل بخشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را در دست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که در آن‌ها تجربه ندارد و فقط در جریان تلاش برای حل آن‌هاست که تجربه می‌یابد، ولی این تلاش هزاران‌ه هم که هم‌جانبه و فدائیکارانه باشد، خالی از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. چنین اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آنچه نابخودنی است، دشواری‌های ناشی از تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که در حاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین‌کننده سرنوشت روند انقلاب را در دست دارند. این دسته از دشواری‌ها، به ویژه در دوران ما، یعنی در دوران فروپاشی حلقه جهانی جابران، امیرالیهام، نقش تعیین‌کننده در سرنوشت انقلاب دارند. زیرا تجربه انقلاب‌های چنددهاله پس از جنگ دوم جهانی نشان داده است که در پیامد تغییراتی در تاسبات نیروهای سیاسی و نظامی و اقتصادی درجه‌بندی به سود انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی و دولت‌های رهاشده از زنجیر اسارت استعمارکننده و استعمار، رهبری‌های انقلاب‌های خدایمان‌بستی و مردمی، در صورتی که بتوانند با درایت و تیزبینی همه نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را جمع‌بندی کنند، می‌توانند بر همه دشمنان دشمنان انقلاب چیره شوند و، علی‌رغم برخی اشتباهات ناشی از کم‌تجربگی و بی‌تجربگی، انقلاب را تثبیت و تحکیم بخشند و آن را به سوی پیشرفت‌گسترش دهند. و برعکس، غلبه تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های ناپرست در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نمود عناصر دشمن از یک سو و برای رشد دشواری‌های ناشی از بی‌تجربگی و اشتباه از سوی دیگر، و نیز به کمک آن‌ها برای دسیسه‌های خطرناک و توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، و به ویژه توطئه جداسازی و بجمان هم اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی پدید آورد.

با کمال تأسف مردم انقلابی ایران با نگرانی بسیار شاهد این واقعیت دردناک هستند که این بسیاری خطرناک در انقلاب ما راه پیدا کرده و ریشه دوانیده‌است جامعه انقلابی ما در مرحله کنونی با طیف پهنای از همه این دشواری‌ها، یعنی هم با دشواری‌های ناشی از صالیت دشمنان وهم با دشواری‌های ناشی از عملکرد صغی خودی، دست به گریبان است. ضناتاریخ انقلاب‌های پیروز شده و شکست خورده به ما می‌آموزد که چیره شدن بر بی‌آمدهای اشتباهات و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره شدن بردشواری‌های ناشی از صالیت ضدانقلاب مباحم و ویژه دسیسه‌گر، در درجه اول مستلزم آنست که نیروهای مؤثر و تعیین‌کننده و به ویژه حاکمیت انقلابی بتواند برگزاینی‌های خودمحوری و تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست و پیش‌دواری‌های بی‌پایه در صفوف خود چیره شوند.

برای چیره شدن بردشواری‌ها باید بیش از هر چیز این دشواری‌ها را

شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را کم‌رئویربشم کن ساختن این دشواری‌ها وجود دارند، تشخیص داد و همه این نیروها را، بدون هدر دادن، درجه‌بندی مشخص کرد، و با در نظر گرفتن نیروها و امکانات موجود و ذخیره خودی و امکانات و نیروهای موجود و ذخیره حریف، نقطه دقیقی برای تیرد تنظیم کرد و سازره را از راه وارد ساختن ضربه اصلی بر ضعیف‌ترین نقطه جنبه دشمن آغاز کرد. کوتاه سخن، چیره شدن بردشواری‌هایی که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قدمل کم‌رماند، تنها با برخورد و برداشت انقلابی، با ست‌گیری، زرف‌بینی و پیگیری انقلابی، امکان‌پذیر است.

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر

خوشبختانه امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انقلابی راستین (گرچه پس از برداختن‌بهای سنگین)، امیرالیهام آمریکا، امیرالیهام اروپای غربی و ژاپن، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، اسرائیل‌ها، مائوئیست‌ها و سایر گروهک‌های آمریکازده، بزرگ‌مالکان وکلان سرمایه‌داران و حامیان‌شان راه عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است. ولی متأسفانه هنوز در بخش قابل‌توجهی از نیروهای انقلابی که اهرم‌های حاکمیت را در دست دارند، در زمینه شناخت کامل دوستان انقلاب ما، غلط ضعیف‌جدی وجود دارد.

به نظرم، مهم‌ترین عامل افزایش دشواری‌های ناشی از نمود ضدانقلاب در درون حاکمیت و نهادهای انقلابی، همس ضعف نیروهای راستین انقلاب در شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر است. در درون بخش مهمی از نیروهای انقلابی، این اصل برای تشخیص به کارگرفته شده و می‌شود که "هرکس به ظاهر مرا خدمت‌رصد تأیید کند، دوست است و هرکس مرا انتقاد کند، دشمن است. با این تشخیص، اگر کسی تظاهر به تعاتر مذهبی کند، حزب‌نوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را "حاش" خطاب کند و "حرک بر شواری" را مطرح کند که شعار مرگ بر آمریکا ارباها برود، او "دوست" است، حتی اگر کشمیری و کلاهی و وفاز ازاد مواد و... باشد. و اگر کسی با صداقت و صراحت بگوید: من پیرو سوسیالیسم علمی هستم، یا تک‌مرا اعتقاد دارم، ارجح ضد استنادی و ضد امیرالیهامی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنم و حاضرم برای دفاع از مبهم در مقابل تجاوز آمریکائی خدام‌جمان خود را فدایم، او دشمن است، و باید طرد خود.

با کمال تأسف، در پیامد عملکرد همین ضعف بزرگ و خطرناک، در بخشین دوسال پس از پیروزی، فقرت‌های بسیار تناسی برای سرکوب ضدانقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب از دست رفت. در این دوسال دشمنان انقلاب ایران موفق شدند با استفاده از عناصر سرمد در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز به اتکالی دولت گام به گام "امیرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خود فروختگانی چون قطب‌زاده و بنی‌صدر و سلاتیان و نظائرشان، که هنوز هم نسونه‌های شناخته نشده آنسان چه‌ما در جاهای حساس نشسته‌اند، از یکسو، و امثال کشمیری و وفاز زاده و کلاهی و صادق و مزی و... و بسیاری دیگر لطمات سنگینی به انقلاب می‌زنند. درست است که نیروی لایزال تودم‌های انقلابی و فدائیکاری و از خودگذشتگی و ایثار کم‌سابقه مبارزان راستین راه انقلاب، چه در حاکمیت و نهادهای انقلابی و چه در میان نیروهای پشتیبان انقلاب در خارج از حاکمیت، زیر رهبری مادرانیت، بی‌زلزل و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عقیم گذاشته است، ولی در همین حال باید نگری است اگر تصور شود که این توطئه منحرف‌ساختن انقلاب ایران از راه ملیش، برای همیشه تا شکست روبرو شده است. اشتباه فاحشی است اگر بپذیرفته نشود که زمینه این توطئه، همان‌طور که امام خمینی یادآور شدند، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلت ضریاتی بر دیگر انقلاب وارد ساخته، که تاکنون برای مبین ما بسیار گران تمام شده است. بحاست اگر همه مبارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفته تاریخی امام خمینی را به یاد بیاورند و در تمام کار روزانه خود همواره بدان توجه داشته باشند، "نیاید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم، ما در جنگ با آمریکا هستیم و تقالعهای آمریکا، این تقالعهای که قالب زده‌اند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند."

امام خمینی - گفتار ۵ شنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۰
تنها با بکار بستن این رهسود، نیروهای راستین انقلابی می‌توانند این خطرناک‌ترین سرچشمه ایجاد شنج و نفاق را در درون جنبه نیروهای انقلابی شناسایی کنند و این سرطان خطرناک را دور سازند. در این ارتباط بسیار بحاست اگر بوجه کنیم که همه عناصری که امروز خیانستان مسلم‌نوده است، با چند جنگ‌افزار سیاسی وارد میدان شدند: تظاهر به اسلام، حتی در مواردی تظاهر به اسلام افراطی و قشری، دشمنی کین‌توزانه با بخشی از پشتیبانان راستین انقلاب و به ویژه با حزب توده ایران، و برعکس گذشت و دوستی و پشتیبانی از ساواکی‌ها،

به نظریا، استقلال ملی برای خلق‌های مبین ما هنگامی تأمین است که ریشه‌های هرگونه تسلط جابرانه، سیاسی، تسلط غارتگرانه، اقتصادی، تسلط آبراه، نظامی و تسلط گمراه کننده و منحرف‌سازنده، فرهنگی استثمار و استثمارتو خشکانده شود و سرنوشته مبین ما و خلق‌هایی که در آن به سر می‌برد، تنها و تنها با اعمال اراده، آزاد توده‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان تعیین گردد.

طی دو سال و نیمی که از پیروزی انقلاب شکوهمند مبین ایران می‌گذرد، کامیابی‌های چشمگیری در زمینه تأمین استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون سز مردم مبین ما به پیگیری سرنوشته‌ها برای تنبیه و تحکیم و گسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگر تصور شود که انقلاب ایران در زمینه استقلال هم‌چنان به همه آمادگی‌های خود رسیده است.

دوره‌ای استقلال سیاسی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا طی دو سال و نیم گذشته، در حاکمیت سیاسی، به وسیله، عملی که در نهادهای انقلابی مجازده بود، در مجموعه، جو سیاسی فعال، پایگاه‌های نیروی را در اختیار داشت و از آن‌ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طور موثر بهره‌گیری می‌کرد، با کمال تأسف باید گفت که، هنوز هم می‌کند. حالا دیگر راز پوشیده‌ای نیست که تا همین اواخر وزارت خارجه ایران و تقریباً تمام ترکیب هیئت‌های نمایندگی ایران در سراسر جهان در دست بازماندگان میان و پنهان رژیم گذشته و پیاده‌کنندگان راه سازش با امپریالیسم، یعنی سنجایی‌ها، یزیدی‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و سایر دستیارانشان قرار داشت.

در آن زمان سیاست خارجی ایران به طور مشخص در جهت هموار کردن راه سازش با امپریالیسم آمریکا، در جهت جلوگیری آشکار و پنهان از گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش ضد امپریالیستی که در جنبه واحدی با انقلاب ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه می‌کنند، در جهت تیرمسخن مصنوعی مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی، که هم‌چنان به انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند، سر می‌کرد.

در برخورد با رویدادهای کشور همسایه و برادر ایران، افغانستان، یزیدی‌ها و قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها سیاست ایران را درست به صورت دنباله، سیاست دشمنان سوگند خورده، انقلاب ایران و همه انقلاب‌های مردمی جهان، یعنی آمریکا، انگلیس، پاکستان، چین، عربستان، مصر و عمان درآوردند.

تصادفی نیست که پس از گذشت بیش از دو سال و نیم از پیروزی انقلاب، میان کشور ما و کشورهای چون جمهوری دموکراتیک خلق چین و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که در اولین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی قرار گرفته‌اند، تازه دارد روابط سیاسی برقرار می‌شود و دولت ایران هنوز از به رسمت شناختن دولت انقلابی کامیونیا خودداری می‌کند، و آن هم در تراسخی که این دولت انقلابی از طرف همه، کشورهای جنبه، جهانی ضد امپریالیستی و همه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی به رسمت شناخته شده و تنها از طرف امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی و ژاپن، و نیز چین و اسرائیل و رژیم بی‌بینه و آفریقای جنوبی و سایر دشمنان انقلاب ایران تحریم شده است.

مردم ایران و همه، نیروهای راستین انقلاب با خشنودی این واقعت را مورد توجه قرار می‌دهند که از مدتی پیش از برکناری بنی‌صدر، و به ویژه پس از رسوایی و برکناری خط آمریکایی سازش و تسلیم از میدان فعالیت سیاست خارجی ایران، گام‌های چندی در جهت نصیح این گرایش بیمارگون برداشته شده است. امید است که این گام‌ها سرآغاز یک چرخش تاریخی در شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب ایران در میدان بزرگ سردجانی باشد.

به نظریا در تنای امروز استقلال واقعی و عدم وابستگی هر کشور بدون همبستگی با جنبه، عظیم و نیرومند جهانی ضد امپریالیستی امکان‌پذیر نیست. این جنبه، به طور تفکیک‌ناپذیر، تشکیل می‌شود از کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل و انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و جنبش‌های راستین آزادی‌بخش ملی و ضد امپریالیستی چه آن‌هایی که در کشورهای خود به پیروزی رسیده و دولت‌های ضد امپریالیستی و مردمی به وجود آورده‌اند و چه آن‌ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی و استقلال نبرد می‌کنند.

این جنبه محصول یک نبرد تاریخی بسیار درازمدت نیروهای مردمی، محصول مبارزات نزدیک به دو دهه ساله، طقه، کارگر در سراسر جهان، محصول پیروزی انقلاب کسر سوسیالیستی اکثر در روسیه، محصول پیروزی اتحاد شوروی و سایر نیروهای انقلابی خلقی و آزادی‌خواه علیه فاشیسم آلمان و ایتالیا و نظامی-گری ژاپن در جنگ دوم جهانی، محصول دگرگونی‌های سوسیالیستی در نزدیک به بیست کشور جهان در دوران پس از جنگ، و سرانجام محصول کامیابی‌های عظیم و نبردزدگی و مرگ جنبش‌های ضد امپریالیستی و استقلال‌طلب در دهه‌ها و دهه‌ها کشور دیگر است. این جنبه محصول عالی تلاش تمام بشریت منرفی دوران ما علیه بیدادگری و غارتگری سرمایه است. تجربه نشان داده است که تنها در چارچوب

سلطنت‌طلبان، ضد انقلابی مائوئیست‌ها و سایر مخالفان آمریکا و دشمنی لجام‌گسیخته با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی از یکسو و دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی و ژاپن-آزوی دیگر؛ حمایت از صنایع غارتگرانه، کلان سرمایه‌داران و بزرگان‌مالکان و سایر زالوهای اقتصاد و مخالفت با ست‌گیری بر دمی انقلاب و جلوگیری از اجرای آن موادی از قانون اساسی، که مدافع صنایع محرومان و محدودکننده، غارت چپ‌اولگران است.

بدین‌سان، نیروهای انقلابی برای شناخت دوستان راستین و دشمنان کین‌توز انقلاب پیش از هر چیز باید مبارزات درست برگزینند. بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین مانع در این زمینه خودموری و تنگ‌نگری است. بر پایه، خودموری و تنگ‌نگری قشری یا اجتماعی-طبقاتی هرگز نمی‌توان به مبارزات درست برای مشخص دوست از دشمن دست یافت.

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موفق‌ترین معیار سنجش دوستان و دشمنان، همان وفاداری به آمادگی‌های است که بوده‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان، مبین دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دست‌یافتن به آن‌ها، علیه جنبه، متحد ضد انقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به نبرد برخاستند و با جان‌بازی و ایثار کم‌نظر انقلاب را به پیروزی رسانند. آمادگی‌های این انقلاب، که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی‌اش منظر گردید، عبارت بود از:

- پایان بخشیدن به تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیست‌ها و تأمین هم‌چنان، استقلال ملی؛
- سرنگون ساختن کاخ استبداد و بیدادگری و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛
- لغام زدن به غارتگری بی‌بندوبار چپ‌اولگران اجتماعی و تأمین عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم و غارت‌شده.

اگر ما این معیار را، که امام خمینی همواره و بدون کوچکترین تغییر، مورد تأکید قرار داده‌اند، چه در مورد مناسبات با نیروهای اجتماعی درون جامعه، انقلابی خودمان و چه در مناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسر جهان، درست به کار ببریم، بی‌تردید خود را از بسیاری از اشتباهات، و تا بدترین بخش آن، نجات خواهیم داد.

بزرگ‌ترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی، که خود را پیرو خط امام خمینی می‌دانند، شناخت درست و کار برد مفلاشی همین معیار است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که برای تعیین مبارزات مورد بحث دارای ارزش بسیار است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها، جهات اصلی سنجش‌گیری انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران ترسیم شده و اصول ضروری برای رسیدن به آمادگی‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" تاحد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش تعهد صادقانه در اجرای بدون خدشه، قانون اساسی، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم مبین ماست و به نیروهای انقلابی کمک می‌کند، تا مبارزات واقعی را برای شناخت دوستان و دشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی، مبین دوست و آزادیخواه، که به دست آوردن استقلال هم‌چنان، برانداختن کامل سلطه، جابرانه، استثمار و استثمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی - اجتماعی در جهت خواست‌های انقلابی - اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیون سوسیالیست کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا را اساس برنامه، خود قرار داده‌اند، نظر خود را در این زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. ما معتقد راسخ داریم که این برنامه در چارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، پیروان راستین خط امام خمینی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، منطبق و با حداقل بسیار نزدیک است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ نه مبانی عقیدتی خود، با تمام نیرو از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنیم و با هیچ‌کس نمی‌توانیم ناپدید - بر راه ایجاد جنبه، متحدی از همه، نیروهای پیرو خط امام خمینی، از همه نیروهای پشتیبان خط امام، که صادقانه به آمادگی‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌گوئیم.

تایید خواهد کرد و چهره کزیه قطب زاده ها، بنی صدرها و کشمیری های افشا شده را از زینت های ریاکاری بیرون خواهد کشید.
در امر سازماندهی دفاع ملی، تقویت همه جانبه سپاه پاسداران - از لحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزی سک و سنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه بیش از پیش نیرو گرفته و جای شایسته خود را در دفاع از انقلاب احرار کند.

در امر سازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش های گوناگون نیروهای دفاع ملی از ارتش تا سپاه ضرورت حتمی دارد. این هماهنگی باید بر مبنای اصول انقلابی تنظیم شود و در سمت آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب قرار گیرد.

استقلال اقتصادی ضامن بی چون و چرای استقلال سیاسی است

در این زمینه نیز انقلاب شکوهمند همین ما به دستاوردهای گرانبهای رسیده است. که هر یک بر سطره بی چون و چرای امپریالیستی بر اقتصاد ما، فرمای کاری وارد آورده است. یکی از مهمترین این دستاوردها همان گونا مگردن دست غارتگر امپریالیستی های جهان عوار از منابع شوش نفت ایران است که با نفو کلبه فرار داد های تحمیلی استعماری، به آخرین مرحله راه های از تسلط استعمار های امپریالیستی رسید. ولی علی رغم این دستاورد بزرگ دستاوردهای دیگر، اقتصاد ما هنوز در تار عنکبوت وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دستوپا می زند و هنوز با صدها زنجیر به آن بسته است. تجارت خارجی ما، که اکنون وسیع ترین و فعال ترین بخش اقتصاد کشور است، به طور عمده و تعیین کننده در دست سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی یک جانبه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع میناز، که بخش عمده صنایع ساخته شده در چارچوب وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را تشکیل می دهد، هنوز در این چارچوب دستوپا می زند و آینده روشنی برای آن دیده نمی شود. همان طور که سیاست مرورانه و دورویانه امپریالیست های زبانی در مورد خودداری از ادامه بخش کوچک پایانی ساختمان مجتمع بروشنی ساز می دهد. این غارتگران جهانی تنها در شرایط مناسبات دوران آریامبری، یعنی دوران غارت بی بدویار ثروت های ملی ما، حاضر به همکاری با کشور ما هستند. از همان روز سروری انقلاب ایران، برای کسانی که امپریالیسم را در تمام تاریخ می بیند، روشن بود که سیاست رسیدن به استقلال اقتصادی برای ایران انقلابی، تنها و تنها از راه بریدن همه زنجیرهای وابستگی به اقتصاد امپریالیستی و تلاش برای بهره گیری از مناسبات برابر حقوق با کشورهای که حاضر به برقراری چنین مناسباتی هستند، و در درجه اول با کشورهای چپیه، عظیم ضد امپریالیستی جهان امکان پذیر است. تنها در چارچوب این مناسبات است که کشور ما می تواند از ثروت های طبیعی که در اختیار دارد، برای پایه ریزی یک اقتصاد خودکفا و منکی به خود، به بهترین نحو استفاده کند. مقایسه منابع کارمجموعه های بزرگ صنعتی ذوب آهن اصفهان و پتروشیمی با تمام وسع کارخانجات گران قیمت فولاد گازی با یکدیگر، بهترین نشانگر راهی است که انقلاب ایران باید برای توسعه صنایع خود، به عنوان پایه ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزیند. راه رسیدن به استقلال اقتصادی همین، ما از کارمندان های وسیع صنایع ذوب فلزات، ماشین سازی و پتروشیمی، که باید هر چه زودتر دست به کار اقدامات آنها شد، می گذرد. و این صنایع را تنها و تنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسیالیستی می توان پایه گذاری کرد. دشمنان و مخالفان این ست گیری در اقتصاد کشور ما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا نا آگاهانه، در جهت نابودی استقلال سیاسی و تجدید وابستگی استعماری دوران آریامبری عمل می کنند.

در مورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست های جهان عوار، به ویژه اکنون که از تجدید سلطه خود بر کشور ما و ضد صهیونیستی خود با بهره مندی، همان سیاستی را اعمال خواهند کرد که ۲۰ سال است در مورد کوبای انقلابی و چندین سال است در مورد ویتنام انقلابی اعمال می کنند، یعنی ادامه و تشدید فشارهای اقتصادی تا حد تخریم خرید نفت ایران. در این زمینه امپریالیست ها از حمایت دستیاران خود در عربستان سعودی و دیگر رژیم های ارتجاعی کشورهای صادر کننده نفت، بهره گیری می کنند. امتناع ۱۳ شرکت ژاپنی از ادامه خرید نفت ایران، که مسلما در رابطه با کارتل غارتگر آمریکایی، انگلیسی- هلندی نفت انجام گرفته، حلقه ای از زنجیر این اعمال فشار اقتصادی است. سادهمیان است اگر تصور شود که امپریالیست های جهانی، با توجه به امکاناتی که در عربستان سعودی و دیگر کشورهای نفت خیز زیر تسلط خود دارند، بیش از انبجار انقلابی در این کشورها به علت احتیاج به نفت ایران، اجباری به پذیرش شرایط ایران انقلابی خواهند داشت. دولت ایران باید در زمینه اقتصاد نفت و گاز هر چه زودتر این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش سرمایه از اقتصاد، هم از جهت تأمین بار

همبستگی با این جنبه جهانی، جنبش های راستین و اصل آزادی بخش ملی می توانند به آماج های استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت پژوهانه خود دست یابند و، درست برعکس، بر بدن پیوندهای همبستگی با این جنبه نیرومند جهانی، نخستین گام در جهت افتادن در دام های امپریالیسم جهانی است. سر نوشت انقلاب های ویتنام، کوبا، لائوس، کامبوجا، موزامبیک، آنگولا، الجزایر، سوریه، لیبی، بنی دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان، هندوستان و دهها کشور دیگر از یک سو، و کشورهای اندونزی، مصر، سودان، سومالی، عراق، مالی و پاکستان از سوی دیگر، به سبب ترس و وحشی این واقعیت دوران ما را نشان می دهد. دشمنان همبستگی با این جنبه نیرومند جهانی و آن عناصر نا آگاه کمدر دام این دشمنان افتاده اند می گویند از راه بازی با واژه ها این همبستگی و کنک متقابل برادرانه و برابر حقوق را به عنوان وابستگی جا بزنند و توده های مردم انقلابی را از حرکت در این راه باز دارند.

واقعات انگارنا پذیر دوران ما در سراسر جهان نشان می دهد که دشمنان سر سخت دوستی و همبستگی با جنبه جهانی ضد امپریالیستی، زیر هر نقابی که ظاهر شود، بالاخره مانند قطب زاده ها و بنی صدرها ارتباطی تسلیم به امپریالیسم سردر می آورند.

دفاع ملی

تأمین استقلال سیاسی بدون امکانات اطمینان بخش برای دفاع ملی مسر نیست. در دنیای کنونی، که نیروهای متجاوز امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی برای تثبیت پایه های منزلت زده گانه ای فرمانروایی غارتگرانه و جا بزنانه خود، از دست بازیدن به هیچ گونه جنبشی روگردان نیستند. سازماندهی یک سیستم سروجه دفاع ملی، هم در زمینه دفاع نظامی و هم در زمینه امنیتی، یعنی دفاع در برابر نفوذ غارتگران و توطئه گران وابسته به دشمن، از ضرورت های درجه اول انقلاب است.

تجاوز نظامی رژیم ضد مردمی و جنایتکار صدام با بیان تجاوز های نظامی امپریالیستی نیست. امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه خود را برای وارد آوردن ضربات بعدی به جمهوری اسلامی ایران آماده می کنند. آمریکا پایگاه های نظامی خود را در پیرامون ایران گسترش می دهد. در ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی پایگاه های نظامی جدید بوجود می آید و پایگاه های موجود فعال می شود. ارتش آمریکا نیروی فرضی و اکتش سریع را برای ورود به عمل آماده می کند. و هم پیمانان اروپایی او در تارتو تعهدات مهمی در این زمینه به عهده می گیرند. خلیج فارس عملا در محاصره نیروی دریایی و پایگاه های نظامی آمریکا قرار دارد.

اسرائیل، تبهکاری خود را در کشورهای عربی هر روز تشدید می کند و رژیم های ارتجاعی مصر و سودان و اردن و عربستان وارد بندوست های خطرناکی با امپریالیسم و صهیونیسم می شوند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین و حساس ترین آماج های نظامی امپریالیسم در خاور میانه است و برای این که در برابر توطئه های نظامی امپریالیستی نتواند از خود دفاع کند به ارتشی نیرومند، انقلابی و مردمی نیاز دارد. نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هر گونه تجاوزی باید هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشناپذیر این نیروها در تمام سطوحش به آرمان ها و آماج های انقلاب و در اختیار گرفتن جنگ افزارهای امروزی و کاربرد و آمادگی فنی روزمی. باید ترتیبی داد که ارتش ایران بهترین سلاح ها را بدون وابستگی و قید و شرط به دست آورد و از همه امکانات برای خودکفائی ارتش تا حد ممکن بهره گیری شود.

ولی همان طور که تجربه دو سال و نیم انقلاب نشان داده، شرط اول و اساسی برای ایجاد چنین سیستمی، پاکسازی دقیق دستگاه های دفاعی و امنیتی و انتظامی از عناصر وابسته به دشمن و ایجاد سدی بر سر راه نفوذ ستون پنجم ساواکی، سلطنت طلب، مائوئیستی، لیبرال و خرابکار در این سیستم است.

تجربه دو سال و نیم گذشته نشان داد که هشدارهای سازمان های مترقی در این زمینه توجه انداره درست بوده است.

این تجربه از طرف دیگر به خوبی نشان داد که توده ای ستیزی، فدائی ستیزی و کمونسم ستیزی، ریزش ظاهر افراطی به اسلام، تنها و تنها حاده صاف کبی برای نفوذ عناصر ضد انقلاب نظیر کشمیری، کلاهی، فخرزاده، صمیری و دهها و دهها افسر کودتاجی از نوع بازی و علوی- درد سنگاه های ارتشی، پلیس و امنیتی بوده است. این اصل دریافته هم مسلما به قوت خود باقی خواهد ماند.

هر گونه تلاش برای جلوگیری از حرکت نیروهای راستین انقلاب در امر دفاع ملی، خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا نا آگاهانه، خدمتی است به نیروهای کین توز ضد انقلاب. تاریخ آینده انقلاب ما صحت این حقیقت انگارنا پذیر را

فروش نفت و گاز و هم‌اوجیت تأمین تکنولوژی و وسایل ضرور برای استخراج و بهره‌برداری صنعتی، تنها در چارچوب همکاری همه‌جانبه با کشورهای جنبه جهانی ضد امپریالیستی و کشورهای که در راه تأمین استقلال اقتصادی خود کوشا هستند، امکان پذیر است.

تأمین و تحمیل استقلال اقتصادی، یعنی راهی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوتاه کردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته به اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و از بخش تمین کننده، توزیع کالاها ضرور در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، امکان پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید در این زمینه مواضع مسلط به دست آورد. جامعه تنها از این راه می‌تواند برهالت بخش خصوصی نظارت کند و به غارتگری بی‌سند و بار کلان سرمایه‌داران و محترکان و واسطه‌های بزرگ زالموضفه که در طول دوسال ونیم پس از انقلاب، به گونه‌های لجام‌گسیخته، زحمتکشان سپین را را غارت کرده‌اند، لگام زند.

لزوم پی‌ریزی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی

رسیدن به استقلال اقتصادی بدون پی‌ریزی و سازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی و دام‌داری، برپایه آخرین دستاوردهای علمی و تجارب اجناسی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

نخستین گام در این راه پایان بخشیدن به نظام جنایت‌بار بزرگ‌مالکی است که هنوز، چون هشت‌پای خون‌آشام، آخرین رقم میلیون‌ها خانوار زحمتکش روستا را می‌مکد و بزرگترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشد اقتصاد کشاورزی است. تصویب و اجرای بی‌خدشه و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایه آنچه در شورای انقلاب مورد تأیید قرار گرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموار می‌کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است.

پی‌ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه‌های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم‌رشد، میسر خواهد بود. برای کشور ما، که زحمتکشان روستایش از ابتدایی‌ترین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی و دامپروری محرومند، یگانه وسیله برای بازگردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و دام‌داری و شرکت‌ها و واسطه‌ها، دهقانان، با کمک همه‌جانبه دولت، در آن‌ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

- ایجاد مراکز تحویل و تعمیر ماشین‌های کشاورزی و تأمین سوخت آن‌ها.
- تأمین و تحویل کود ضرور و بذر مرغوب و بی‌مجمول.
- تأمین و گسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین‌آلات، تحویل بذر کوبد، خدمات عمرانی و راه‌نمایی دهقانان.
- واگذاری اعتبارات درازمدت و کم‌بهره.
- فعالیت دانستدار برای تهیه آب، آبی‌رسانی، برق رسانی و ساختن راه‌های روستایی.
- خرید یکجا و با بهای مناسب مازاد محصولات کشاورزی و قطع دست غارتگر سلف‌فرمان، واسطه‌ها و محترکان.
- کمک به ایجاد شبکه وسیع تعاونی‌های مصرف برای رفع نیازمندی‌های روزمره روستائیان.
- کمک به ایجاد شوراهای ده درگله، روستاها و دادن اختیارات و امکانات مالی و قانونی به آن‌ها و تبدیل آن‌ها به ارگان‌های فعال و موثر قدرت دولتی در روستا

استقلال فرهنگی

به موازات وابستگی امارت‌بار سیاسی و اقتصادی، رژیم ننگبار پهلوی امارت فرهنگی سپین عزیز ما را، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزشترین فرهنگ‌های جهان است، به فرهنگ در حال انحطاط غرب و به ویژه به "فرهنگ" سطح آمریکایی به بالاترین درجه خود رسانید. - به جایی رسانید که گذاشتن نام "عظاری" و "داروگری" روی تابلوها ننگ و عار به حساب می‌آمد و "سوپر مارکت" و "دراگ استور"، که ۹۹ درصد از مردم ایران بنای آن را نمی‌فهمیدند و نمی‌فهمند، نشانه شخص و امضا شد.

کریه‌ترین داغ ننگ بر ساحت فرهنگی رژیم وابسته آریابهری و اقصیت‌های سوادآموزی است. در کشوری با این همه امکانات اقتصادی و مالی، که کم‌تر کشور در حال رشد درجه‌ها آن برخوردار بوده است، در کشوری با این فرهنگ غنی و امیل، کندی پیشرفت ابتدایی‌ترین پایه فرهنگ مترقی، که با سوادگردن توده‌های میلیون زحمتکشان است، کم‌نظیر بوده‌است. همین بس که در آخرین سال فرمانروایی رژیم وابسته، سزنگون شده، خود رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۹۴ درصد زبان روستایی از نعمت خواندن و نوشتن محرومند و امکان

سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین و مهم‌ترین وظایفی که انقلاب شکوهمند سپین ما در برابر حاکمیت انقلابی گذاشت، همین بازگردن زنجیرهای وابستگی امارت‌بار فرهنگی به فرهنگ در حال انحطاط غرب و پی‌ریزی یک فرهنگشکوفای ملی بود. امام خمینی در ره‌نمودهای خود به مناسبت نخست سوادآموزی و گسترش شبکه مدارس و سازه باغب زدیگی در فرهنگ، اهمیت این نبرد را به ستولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکه مدارس ابتدایی در روستاها و شهرها و تصم دولت درباره کمک مالی به هر گروه مردمی که بخواهد مدرسه‌های باز کند، البته گام‌های قابل تأییدی در این راه بوده است. ولی این‌ها فقط قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان میلیون‌ها مردم به فرهنگ.

کمبودها، اشتباهات، غرابکاری‌ها... که در همه زمینه‌ها اثر گذاشته‌است، در این میدان هم به صورت مانع اصلی در برابر روند پیشرفت درآمد. به علت تسلط فرب‌زدگان و آمریکازدگان و پیروان خط لیبرالی سازش و تسلیم بردولت موقت و دنباله‌روان آن، از یک سو، و عطفکرد گروه‌های واپس‌گرا، که با هرگونه اعتلای فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزند، از سوی دیگر، امکانات بنیادساز و بزرگی در دوسال و نیم دوران انقلاب ارددست رفت. و ما امروز در برابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعه فرهنگ مردمی پیشرو، قرار گرفته‌ایم.

دانشگاه‌ها، که وظیفه تربیت کادر علمی و فنی برای رشته‌های گوناگون اقتصاد، صنایع، کشاورزی، ساختن، فرهنگ، آموزش و پرورش، سازماندهی کشور و غیره را برعهده‌دارند، به جز دانشگاه‌های علوم دینی و گوتنه‌ایزادانکده‌های پزشکی، در حال تعطیلند. بیش از صد هزار جوان دانشجو، که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند، بی‌کار و بی‌هیچ دورنمایی برای زندگی، تشنه آموختن و به‌کار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگ و اقتصاد سپین، در حال انتظارند. هر سال ده‌ها هزار دانش‌آموز، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و به این خیل عظیم می‌پیوندند. همه این‌ها در مجموع خود، زمین حاصلخیزی برای بذرافشانی‌های ضدانقلاب و رویاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد.

ولی به موازات این محرومیت‌ها برای صدها هزار جوان سپین‌ما، که اکثرشان از وابستگی به اقتدار میانه‌بخشی از فرزندان طبقات محروم‌اند، برای بیش از یکصد هزار نفر، که اکثر از اقشار ثروتمند و حتی از خانواده‌های غارتگران هستند، در دانشگاه‌های آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب، با برخوردار از همه‌گونه تسهیلات، امکان تحصیل فراهم می‌شود. پذیرش این دعوی دشوار است که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق، زیر نظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، غرب‌زدگی پیدا می‌کنند، ولی فرزندان اقشار رفه، با هزینه ماهیانه ۱۰۰۰ دلار و پرداخت هزینه‌های تحصیلی سالیانه در حدود ۱۰ هزار دلار برای هنر، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس، درست آن‌طور تربیت می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران خواهد آست!

این نفیض آشکار با هیچ "برهانی" قابل توجیه نیست. نخست سوادآموزی، که در آغاز نیروی عظیمی را باغبور و شوق خود جلب کرد، به علت تنگنری و قشری‌گری مسئولان در حقیقت به حال رکود افتاده‌است تا سلف‌انگیز است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم، که بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و ست‌گیری سیاسی وابستگی ندارند، تنها به این علت که از پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که بسیاری از طلاب علوم دینی نیز از آن عاجزند از شرکت در بیگار ملیه بسواد می‌محروم می‌مانند. ما نمی‌توانیم تردید کنیم که در این میدان مهم نبرد هم، اسیرانظام‌ها، فطربزاده‌ها، پنی‌صدرها و کشمیری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند، تا با کمک آگاهانه و با ناآگاهانه عناصر تنگنر و قشری و با به کار بردن همان شیوه‌هایی که در میدان فعالیت سیاسی و اقتصادی به طور موثر به کار برده‌اند، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند و هر جا بتوانند آن را به سبراه کشانند. رشد یک جامعه در دنیای کونی و آینده، بدون رشد همه‌جانبه فرهنگ عمومی آن، در زمینه‌های علوم، فنون، ادبیات، هنر و زمینه‌های دیگر غیر قابل تصور است. سلسا می‌توان با چارچوب‌های پولادین جلو رشد طبیعی و مترقی فرهنگ یک جامعه را برای مدت زمان صغنی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگر در جهت سیر تکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیر تاریخ اسلام انقلابی و مردمی و نیز سیر تاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشه انقلابی دوران حاضر ما، نمونه‌های برجسته این حکم تعلی‌ناپذیر تاریخند.

برپایه این اعتقادات است که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یک سو، و عطفکرد عناصر ناآگاه و خودمغور و تنگنر و واپس‌گرا از سوی دیگر، جبهان عظیم و مرنوساز انقلاب فرهنگی را از ست‌گیری اصل خود منحرف سازند. هدف این ست‌گیری نمی‌تواند چیزی

جز پاره کردن زنجیرهای اسارت فرسودگی و انحطاط از دست و پای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همجانبه و آزاد فرهنگ مردمی شرقی، با بهره‌گیری از همه ارزشهای فرهنگی شرقی و مردمی جهان بیامون ما، باشد.

ب. آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند مبین ما "آزادی" است. میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد ساء سلطنتی خاندان پهلوی و سایر عمال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده و قیام کردند که آن نظام سنگین خودکام را براندازند و نظامی برحاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرار کنند.

پس از برپوری انقلاب، طبقات بهره‌مکن و گروه‌های سیاسی بنیانگزاران این طبقات کوشیدند تا شمار آزادی را نه آنچنان که توده مردم می‌خواستند، بلکه آنچنان که منافع تنگ طبقاتی آن‌ها اجاب می‌کند تعبیر و اجرا کنند: سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال گفتم؛ آزادی را برای فریب مردم به کار برده و به معنای آزادی منحرف‌کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم جهانی گرفتند و سرمایه‌داران غارتگر به معنای آزادی اسباب و کاربرد آزاد سرمایه و آزادی بهره‌کشی از کارگران و زحمتکشان و آزادی غارت بی‌سودوار تلقی کردند. تنگ‌نظران و خودمحوران، آزادی را فقط برای خود به قصد سرکوب "دگراندیشان" و تسخیر نظر خود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، جعدرصفوف مبارزان مسلمان و چه درصفوف بیروان راستین سوسیالیسم علمی، شعار آزادی را به معنای واقعی که توده مردم می‌خواستند و می‌خواهند درک کرده و برای استقرار آن رزمیدند. این نیروهای انقلابی راستین که با تمام نیرو از ایجاد استقلال‌طلبانه، آزادمنشانه و عدالتخواهانه، خط امام خمینی پشتیبانی می‌کند، آزادی را برای توده‌های دهها میلیون کوخ نشین، محرومان، مستضعفان، و با ما کلامی دیگر، برای زحمتکشان شیرو روستا، می‌خواهند. آن آزادی که ما پیوندگان راه توده‌های محروم برایش مبارزه می‌کنیم، از نوعی است که توده‌های زحمتکش مبین ما، به‌ویژه در دوران استبداد سیاه آریامپری، از آن محروم بوده‌اند، یعنی آزاد شدن از غارتگری و بیچارگی، آزاد شدن از یوغ اسارت سیاسی و فرهنگی نظام استبدادی و وابسته به استعمار، آزادی از ترس و دلهره، دادگی به مناسبت داشتن این با آن اندیشه، اجتماعی، آزادی از بردگی و بندگی، آزادی از گرسنگی، رهائی از بیماری‌ها، آزادی از بی‌خانگی، آزادی از بی‌فرهنگی، آزادی از ستم و محرومیت‌های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده‌های زحمتکش، که ایجادگران همه ارزشهای واقعی جامعه هستند، بر آنیم که تامین آزادی‌های واقعی برای این توده‌های دهها میلیونی، خواه ناخواه با محدودیت‌هایی برای "آزادی" مورد خواست طبقاتی که موجودیتشان بر پایه محرومیت این توده‌ها استوار است، توأم خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت و بیچارگی نمی‌توان توده‌ها را از غارت شدن آزاد کرد.

بدین سان، مبارزه در راه تامین آزادی برای توده‌های دهها میلیونی، چیزی با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب، با قطع همه ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تسلط فارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با انجام زدن به همه خودمحوران و تنگ‌نظران و قشری‌گرایان، که برای ما برانقلابیون حقی‌قائل نیستند و می‌کوشند تا زورمداری را جانشین آزادی برای توده‌ها سازند، هیرامفواهدود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ارزنده و بسیار مهمی در زمینه تضمین آزادی‌های مردمی و اجتماعی تثبیت شده است. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادی‌ها را برای همه کسانی که قصد توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشند، تأکید کرده‌اند.

ولی باکمال تأسف جریان اوضاع در کشور ما بخش بزرگی از نکات تصریح شده در قانون اساسی را در زمینه آزادی‌های فردی و اجتماعی، به حال تعطیل درآورده است. بخش قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، که ما تمام نیروی خود در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان، در مبارزه برای درهم‌کوبیدن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا، بصر مبارزه برای اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب گام برداشته و برمی‌دارند، از بسیاری از آزادی‌های قانونی محرومند. افراد غیرمسئول، با دستکاری گروه‌های غیرقانونی اعمال‌فشار، دفاتر احزاب و گروه‌های سیاسی را غارت می‌کنند. از فعالیت آنان جلوگیری می‌کنند، به کتابخوئی‌ها هجوم می‌برند، کتابسوزان راه می‌اندازند و از این راه، جو ترس و وحشت را جایگزین آزادی تصریح‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند. با بهره‌گیری از همین جو نامالک است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و

نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ریا و تزویر و داشتن ریش و تسبیح، مانند کشمیری‌ها و کلاهی‌ها و نماززاده‌ها، نه تنها در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی، بلکه در رسانه‌های گروهی و برخی نشریات منتخب به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده‌اند و با آزادی کامل در سم‌پاشی و نقای‌افکنی جیبه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب ناتوان می‌کنند. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموزگارانی پرستاران و غیره، از تشکیل سازمان‌های صنفی، که بعنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی ثبت شده‌است، محرومند. ولی در عوض گلان سرمایه‌داران و واسطه‌ها با آزادی کم‌نظیری به غارت و حشایشانه ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان مشغولند. گروه‌های فشار، نظیر گروه "حجتیه" در سراسر کشور، و گروه "آشت" در غرب کشور و نظایر آن‌ها در دیگر نقاط، با تظاهر افراطی به مذهب، هم‌عما مردم را از ابتدائات‌ترین آزادی‌هایی که، نه به جامعه و نه به هیچ فردی سدمه می‌رند، محروم می‌سازند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئولیت پیدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه‌های جدی تهدید برای روند تثبیت و تحکیم انقلاب درآمده‌است، در درجه اول متوجه طیف پهن‌تر جیبه متعهد ضدانقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه‌های افراطی راست‌در حاکمیت و پا در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه‌های افراطی "چپ" در جامعه، می‌دانند.

جیبه متحد ضدانقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی‌های مردمی و توده‌های در جامعه انقلابی ما است. این جیبه در عین اینکه فرهادهای طرفداری از آزادی‌های گویش همه را کر کرده، در واقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. "آزادی" مورد علاقه ساواکی‌ها، بختیار، اوبسی، لیبرال‌ها، قطب‌زاده‌ها، بی‌صدرها از این قماش است. آنها خواهان "آزادی" برای تدارک کودتای نوزده، "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن، "آزادی" برای همکاری با حکومت‌های مرتجع و وابسته منطقه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین صدامپریالیسی و مردمی - اعم از بیروان خط امام خمینی و با بیرون سوسیالیسم علمی هستند. جیبه متحد ضدانقلاب از این تاکتیک‌مزورانه خود، یعنی فریادکنیدن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای ایجاد محیط عدم ثبات، با توسل به همه اقدامات جنایتکارانه - از ترور مسئولان گرفته تا آتشزدن خرمن‌ها، تخریب کارخانه‌ها، تلخ‌کردن اقتصاد کشور، ترویج گرانی، بی‌اعتمادی و غیره - از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، با این اقدامات آخدر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، تا بتواند آن را براندازد و راه را برای به قدرت رسیدن "دولت مینامرونی" باطنی آمریکا هموار سازد. دوم اینکه اگر-خلا این هدف دست‌نرپذیر نباشد، از راه کشتار مسئولان واقع بین، راه را برای به قدرت رسیدن جناح راست افراطی در حاکمیت، هموار کند. جیبه متحد ضدانقلاب امیدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را غارت می‌کند و بطور غیرسیستمی محیط را برای توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری سازمان مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های چپ‌پرو، که روزگاری از آزادی برای توده‌های مردم، آزادی برای چاره‌کردن بندهای اسارت ملی و طبقاتی دم می‌زدند، به این خیل تنگن "آزادخواهان"، که در حقیقت گورگان آزادی هستند، پیوسته و بیرون گمراه‌شده خویش را به ابزار توطئه‌های خائنانه برانداز ضدانقلابی جیبه متحد ضدانقلاب سدل کرده‌است. نتیجه صلی فعالیت این نیرو همین است که امروز شاهدش هستیم. هرچفته، در خیابان‌های شهرهای ایران و در زندان‌ها، دهها و گاه صدها جوان بااست آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از میان گمراه‌شدگان کشته می‌شوند و چندین نفر از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می‌شوند. ساواکی‌ها و ضدانقلابیون حرفه‌ای و سلطنت‌طلبان و لیبرال‌ها و ستون‌بنجم مائوئیستی آمریکا در کنار این محرکه خون‌آلود پانگویی می‌کنند. هم‌اکنون از یکسو صدها نفر از ستولان درجه اول جمهوری و بسیاری از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. و از سوی دیگر بیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده‌اند. ما بار دیگر تأکید می‌کنیم که سود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان گمراه جدا کنند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگندخورده انقلاب، خاشین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین مساوات سرکوب کند. در همین حال باید با اتخاذ سیاست ارعادی شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند نیستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملاً مبرم انقلاب آنست که از اعدام‌های محسولانه و ناسنجیده مطلقاً اجتناب شود و موازین حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اعدام کسانی که به اشتباه خودی می‌برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در بیکار صدامپریالیستی اعلام آمادگی می‌کنند حقوق بخاند تا در زندان

به آنان فرصت داده شود که بپیرامون راهی که رفته اند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشند و عدالت خود را عملاً به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که پایبندی مقامات انتظامی و قضایی به اطلاعات ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که قانون اساسی را محترم می‌شمارند کام سیاسی بسیار مهمی است در جهت بازگرداندن آرامش منکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

ما اطمینان داریم که چنین گام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از خیانتکاران اصلاح‌ناپذیر و همچنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت و گمراهان را، بدون ترس و وحشت از مرگ، بدون توسل به دروغ و شرکت، صادقانه به زندگی مفید سیاسی و اجتماعی بازخواهدگرداند.

اطمینان داشته‌ایم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع چندگانگی مفیاد و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته است. این تصور که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق‌تر کرد و هم حق دفاع از آن را از بخش مهمی از نیروهای انقلابی طلب نمود، افسانه بزرگی است و تلاش در پیاده کردن چنین برداشتی عملاً به‌زمان انقلاب و بسود دشمنان آن تمام خواهدشد.

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده است که نه با ترور و کشتار نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم پرداخته باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در بخرها جای گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری که در مزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و افتاح جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن‌همه از "جاهدین خلق" و "جهرکهای اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج‌های صدامیرالیستی، آزادخواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می‌دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی کمر دوش دارند، از آنها می‌طلبند که بدون درنگ، با پندگرفتن از گام جسورانه هم‌زمان ساداتی، تمام نیروی خود را برای خنثی کردن خیانت رهبران خود-و پیمان بخشیدن به این فجاج به کارانندارد.

بمنظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این برخوردها تنها و تنها به گیس ارتجاع و ضدانقلاب داخلی و امیرالیستی‌های خونخوار حامی آنان سرازیر می‌شود و زبان‌های جبران‌ناپذیر آن، مانند آواری بمصر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهد ریخت.

اشامه ترور ضدانقلابی یک نقشه شوم امیرالیستی برای تضعیف نیروهای ضدامیرالیستی است، مجری این نقشه باید نشوید رجوی‌ها و خیابانی‌ها با محافل ارتجاعمی و مناسر طرفدار سرمایه‌دارها و فئودال‌ها ساخته‌اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده‌اند، آنها را از خود برانید، بدانید که این جمهوری با وجود همه نارسائی‌ها و کسودهایش در تمام دوران موجودیتش و پیروزه در ماه‌های اخیر ضربات دردناکی بر امیرالیسم وارد آورد است.

ارزیابی‌های نادرست را از کرخود سپرون کنید، تبلیغات امیرالیستی را باور نکنید که می‌گویند رژیم در حال سقوط است. جمار فکری را که سازمان‌هایتان با تحریم همه رسانه‌های گروهی ضدامیرالیستی بدور ذهن شما کشیده‌اند، بشکنید حرف‌های سعادت را بکنار دیگر بفرانید. همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید. ارزیابی‌ها و نظرات خود را بر نارسائی‌ها و کسودها و اشتباهات بخشی از حاکمیت استوار نکنید. ضدیت با امیرالیسم و تلاش برای انجام زدن به غارتگری بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران را مدام فرار دهید. امیرالیستی‌ها و مرتجعین منکی خط مشی مجاهدین را می‌ستایند و از رجوی حمایت می‌کنند. تمام کشورهای مترقی و انقلابی از جمهوری اسلامی ایران در بزایر توطئه‌ها و تجاوزات امیرالیستی حمایت می‌کنند.

تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهد که ادامه دشمنی با نیروهایی که با امیرالیسم می‌ستیزند، بلااستثنا و بدون تردید به همدستی با امیرالیستی‌ها کشیده می‌شود و هر چه آن دشمنی کینه‌توزانه‌تر باشد این همدستی ناگزیرتر و در عین حال مخلصانه‌تر خواهد شد. آنها سرتوشت غمبار ما و دآرودستانش هنوز هم برای شما درس عبرت نیست؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان راستین راه انقلاب ایران غلبه بر اشتباهات و خودمحوری‌ها را آرزو می‌کنند و آنان را فرا می‌خوانند که با تمام نیرو در بازگرداندن آرامش منکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد هر چه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند. ما آرزو می‌کنیم شرایطی فراهم آید که همه نیروهای ضدامیرالیستی بجای آنکه بروی یکدیگر سلاح بکشند و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند، توان آنها بیابند که سایل خود را با یکدیگر از طریق انتقاد خلاق حل‌کنند و جنبه خلق را متحدتر سازند، ما برای فراهم

آوردن چنین فضایی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای راستین انقلاب را مخاطب قرار می‌دهند و از آنها می‌طلبند تا تمام نیروی خود را برای پایان بخشیدن به این فجاج خونین که بدون‌تردید از طرف دشمنان انقلاب ایران بمسرگردگی آمریکا به جامعه رنج‌بیده میهن ما تحمیل شده است، بکار اندازند.

بمنظر ما تنها و یگانه راه چیره شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش منکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه است.

ما یکباردیگر پیشنهادهای خود را تکرار می‌کنیم و امیدواریم که مورد توجه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

ما پیشنهاد می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلبه اعضا و هواداران سازمان‌های چپ‌رو، که مستقیماً در عملیات مسلحانه و خرابکاری‌های انجام‌دهنده دخالت و مشارکت نداشته‌اند، متوقف گردد و از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، و در صورت فاصله گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

ج. عدالت اجتماعی

انقلاب ایران رزمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود بنیاد نظام آرمیسمی را حاکمیت بی‌بندوبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جنایت‌بار امیرالیستی‌های آمریکایی، اروپایی و زاپسی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرکردگی خاندان فامد پهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه آرمیسمی دره میان زندگی توده‌های دهها میلیون محرومان شهر و روستا و افتخار ستاز جامعه و کارگران و دستیارانشان چنان ژرف بود که در سراسر جهان به رحمت می‌شد نظمی برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یا یک کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده بود و این ثروت عظیم را انحصارهای امیرالیستی تولید کننده جنگ‌افزار و اتومبیل و انشاء لوکس و وسائل مرمی، با همدستی خاندان پهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی و ساواکی‌های محافظ‌آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و مأموران بلند پایه دولت آرمیسمی، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهند میهن ما این نظام را سرنگون ساخت. توده‌های دهها میلیون زحمتکشان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تأمین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انگل‌ها و به کار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالا بردن رفاه عمومی، بهداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، خواستار شدند. اکنون پس از گذشت دوسال و نیم از انقلاب، ما قاطعیت می‌توان اعلام کرد: علیرغم گام‌هایی‌های چشمگیری که در جهت محدود ساختن غارتگری کلان چپاولگران امیرالیستی و خودی انجام گرفته، در زمینه بهبود شرایط زندگی توده‌های دهها میلیون زحمتکشان گام موثر و دگرگون‌کننده برداشته شده است. کاملاً درست بود که شهید رجایی به این محرومان می‌گفت:

"شما هم باید فریاد بزنید: رجایی! مستمعین هیچ چیز گزشتان نیامده."

"ما نگران آن بخش عظیم از اسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نتوانستیم مستمعین ایران را هنوز بشناسیم. هنوز نتوانستیم بر متولین که نماز می‌خوانند بگویم که نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری."

از روزنامه جمهوری اسلامی
۲۳ شهریور ۱۳۶۰
این اعتراف صادقانه را با گزارش مهندس سبحانی، رئیس کمیسیون بودجه و سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس، کنار هم بگذاریم:

"بخش خصوصی بدون استثنا سود برده است. به اعتراف خودشان در بخش تجارت ... به خود پشده

گفتند سودی را که در این دو ساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است.

پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرفکننده فروخته شد. سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. در بخش کارخانجات خصوصی نیز سوده‌های کلانی بردماند. برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده‌اند. مقال هزینه تمام شده‌اش، باتمام افزایشی که در نرخ پنبه هست، حدود ۶۵ متری ریال می‌شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی مقال را به ۱۷۰ متری ریال به بنکدارها فروختند و آنها نیز به مصرفکننده تا متری ۲۳۰ ریال، یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته الیاف مصنوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می‌کند و در بازار کیلویی ۱۸۰ ریال عرضه می‌کند.

بهاد این غارتگری بی‌بندوبار، گرانی سرسام‌آور است که مانند کابوس بر کرده دهها میلیون زحمتکش کم‌درآمد جامعه ما فشار می‌آورد و این فشار هر روز سنگین‌تر و طاقت‌فرسای‌تر می‌شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور، در عین اینکه درست و مورد پشتیبانی است، ولی قطره‌ای است در دریا و همینطور است مسئله بهداشت.

علیرغم خدمات گرانبهائی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمک‌رسانی به عقب‌افتاده‌ترین بخش جامعه ما، یعنی روستاها انجام داده و می‌دهند، هنوز بزرگسالگان و خان‌ها اختاپوس وار سر اکثر روستاهای ایران چنگ انداخته، بر حیات روستا حکومت می‌کنند و با جازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می‌کنند.

چنین است گوشه‌ای از آنچه که در دو سال و نیم گذشته در زمینه تأمین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و با بهتر بگویم، هنوز دست نخورده مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری بصورت دولت موقت و بازرگان‌ها و ایزدی‌ها و مدرها و صباغیان‌ها و پس از آن بنی‌صدرها و نوپری‌ها بر سیاست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون‌آشام اجتماعی، بلکه برای تشدید بی‌بندوبار این غارتگری آماده می‌ساخت. غارتگران اجتماعی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگسالگان، با بهره‌گیری از دشواری‌های ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی‌شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با چنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تأمین عدالت اجتماعی جلوگیری می‌کنند.

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از خواسته‌های خود را در زمینه تأمین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی - اصول ۲۲ - ۲۹ - و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان... هنوز گامی برداشته نشده است.

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند همین ما در گوی این تحول سرنوشت‌ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم شکستن همه توطئه‌های جبهه متحد ضدانقلاب، که می‌کوشد توده‌های میلیونی زحمتکش را از انقلاب ناامید سازد، به این خواست برحق محرومان، یعنی پیاده کردن اصول قانون اساسی در زمینه تأمین عدالت اجتماعی، جامه عمل بپوشاند.

باید با خارج‌ساختن شرایط اقتصادی از دست غارتگران سرمایه‌دار، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یعنی با تقویت همه جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدودساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی، نظام اقتصادی آرمانی را از بنیاد درگون ساخت.

همان‌گونه که تجربه نشان داده است، با شلاق‌زدن و جریمه‌گرفتن و یک ماه تبعید کردن کاری از پیش نمی‌رود؛ و نیز ارشاد و تحریک بشردوستی و نوع‌پروری هم در سرمایه‌دار زالوسف تاثیری ندارد. او به این ارشاد می‌خندد، شلاق را می‌خورد، جریمه را می‌پردازد، ولی از همان فردا و با حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری، نه تنها چند برابر جریمه‌های پرداخت‌شده، بلکه چندین برابر "حق‌الدرد" شلاق‌ها را هم از جیب مصرف‌کنندگان بیرون می‌کشد. یگانه راه، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، تدارک و توزیع کالاهای ضروری و محدود نگاه‌داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است. این تنها شیوه‌ای است که در دهها و دهها کشور دیگر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده‌اند، موفقیت داشته است.

باید با برقراری هرچه سریع‌تر و ریشه‌دارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها، امکان تراکم بی‌بندوبار ثروت و سرمایه را از زالوها گرفت.

باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه‌جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی‌سابقه‌ای را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازستاند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تأمین خواسته‌های حیاتی مردم زحمتکش، به صاحبان اصلی‌اش رسانید.

باید آنچه را که شهید دکتر باهر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه بیان داشت، هرچه زودتر عملی ساخت.

باید مسئله تأمین مسکن را جدی‌گرفت و با برنامه‌های فوری و درازمدت، گام اساسی در این راه برداشت. همین‌طور است مسئله تأمین بهداشت عمومی برای محرومان، که باکمال تأسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده، بلکه بطور محسوس بدتر شده است. فداکاری و گذشت قابل‌ستایش گروهی از پزشکان و کارکنان متعهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانست و نمی‌تواند بر دشواری‌های ناشی از عقب‌افتادگی دهشت‌آور در این زمینه، جیره شود.

اختیاراتی که امام خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ به نمایندگان مجلس داده، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی در جهت تأمین عدالت اجتماعی فراهم کرده است. با این پاسخ امام، دشواری‌های شفق‌آلودی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی، انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تأمین خواسته‌های زحمتکش وجود داشته، از میان برداشته شده است. اینک بعهده مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود پشتیبانی خواهند کرد.

عدالت اجتماعی در زمینه حقوق زنان

زنان همین ما و بویژه زنان محروم جامعه سیم بسیار بزرگی در پیروزی انقلاب و در روند تثبیت و تحکیم آن داشته و دارند. امام خمینی رهبر انقلاب بارها اهمیت مبارزه زنان برای تحقق آرمان‌های انقلاب را یادآوری کرده‌اند. زنان جامعه، علاوه بر همه محرومیت‌های اجتماعی که گریبانگیر همه زحمتکشان میسین ما از زن و مسرد است بار محرومیت‌های اضافی دیگری را نیز بعنوان "زن" در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه‌های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد "درجه دوم" زیر فشار آداب و رسوم کینه و فرامین و مقررات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان با مردان در زندگی اجتماعی هستند قرار دارند که دست‌وپای آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه‌های کسار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده‌اند.

زنان نمی از ملت ما را تشکیل می‌دهند و بدون شرکت فعال آنان در سازندگی جامعه نوین پیشرفت اجتماعی بسیار کند خواهد بود.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستار آنند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سنگینی عدالت پژوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما بتوانند در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی - در میدان کار و فعالیت‌های سازندگی، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت و احترام متقابل از همه حقوق منکی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق‌های غیرفارسی

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از صدها سال به این سو خلق‌های فارس، آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب در یک اتحاد برادرانه و برای آماج‌های مشترک اجتماعی و انسانی در جهت بدست‌آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن مین و واحدشان در تلاشند. ولی علیرغم این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسته به امپریالیسم خلق‌های غیرفارس جامعه ما علاوه بر بار محرومیت‌های ناشی از سلطه استعمار و استعمار و غارتگری جنایت‌بار طبقات حاکمه بار سنگین محرومیت‌های ملی را بدوش کشیده‌اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی و خودگردانی محروم بوده‌اند.

محرومیت‌های ملی صرفنظر از اینکه در دروان‌های صینی امپریالیسم و ارتجاع داخلی توانسته‌اند این محرومیت‌ها را پایه‌ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت صینی جامعه است.

بپام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایان‌بخشیدن به آنست.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده‌اند که تنها با برانداختن ستم ملی که قرن‌هاست بر خلق‌های غیرفارس اعمال شده است و تأمین حقوق تضییع شده آنان در چارچوب "خودگردانی" و "با خود"

مختاری فرهنگی و اداری می‌توان عوامل ایجاد تحریک و تشنج را از دشمنان انقلاب گرفت و اتحاد داوطلبانه و مادفانه همه خلق‌های ایران را سراسری دوستی و حقوق برابرملی تأمین نمود. اتحادی که بدون تردید، یکی از مهمترین عناصر ثبات جامعه انقلابی ما و کامیابی‌اش در سربلندی دشمن داخلی و خارجی به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار امریکاست.

نگاهی به واقعاتی حاکم بر جامعه کنونی، مارابادشوارهای بسیاری که در برابر روند تشنج و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن عزیزمان قدم‌ها برداشته، آشنا می‌سازد. جیره‌نشدن بر این دشواری‌ها مسلماً کار آسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان سربلندی علیه امپریالیسم و ارتجاع، از چنان نیروها و امکانات بالید و بالقوه‌ای برخوردار است که می‌تواند، در صورت بهره‌گیری عقلانی از آنها، همه دشواری‌ها را از سر راه خود بردارد. یکی از عمده‌ترین این نیروها و امکانات، گنجینه عظیم تجارب خلق‌های محروم جهان در سربلندی‌های بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب‌های مردمی است.

بدون تردید انقلاب شکوهمند میهن ما دارای ارزش‌های والایی است که ما به حق بهره‌گیری از آنها را به دیگر خلق‌های محروم توصیه می‌کنیم. ولی تصور این که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه زمینه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع جدی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تأسف این شیوه برخورد زیان‌آور اکنون در بخش چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بچشم می‌خورد.

واقعتاً این است که پیش از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های پوسیده، جنایت‌بار و غارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را تثبیت و تحکیم بخشیده و گسترش داده‌اند. و پس از ما نیز بدون تردید خلق‌های دیگری به چنین پیروزی‌ها دست خواهند یافت، و هر یک از این خلق‌ها ارزش‌های والایی از راه‌های به گنجینه بیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند افزود. ما باید در همه میدان‌های سربلندی اجتماعی و بویژه در سربلندی انجام دگرگونی‌های بنیادی بسود محرومان از تجارب گرانمای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعیت تاریخی بارها آزمون شده‌است، که برپاداشتن یک نظام نو و متکی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام جاگیرانه سرتکون‌شده، ده‌ها بار دشوارتر و پسرخت‌تر از براندازی نظام کهنه است.

پیام ما به همه نیروهای راستین هوادار انقلاب

خواهران و برادران و هم‌زمان ارجمند
پیام ما به شماست:

به شما مسلمانان پیرو راستین امام خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم استوار ایستاده‌اید و با هرگونه سخن محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید:

به شما زحمتکاران و میهن‌دوستانی که در راه پیادکردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌زیید:

به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندان، آرزوهای حق طلبانه خود را منعکس می‌بینید.

پیام ما به همه احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران - از هر سلک و عقیده‌ای است.

پیام ما، سبز به شما هواداران راه‌گم‌کرده "مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از جاده انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شماست:

بباید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران، یعنی توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم شکنیم و جبهه متحد دفاع از انقلاب شکوهمندان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران هم‌زم

بباید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جبهه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان پلید آن را سازمان دهیم و همواره همه توطئه‌های کنونی و آینده آنها را در هم پیچیم!

مردم زحمتکش میهن‌مادست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی

بازقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را تأمین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی از آن می‌گذرد، ضربه کاری و جبران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط‌جاگیرانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین روزهای اوچکگری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود برانگیخت. امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که هنوز بعنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند، هیچ‌وجه نمی‌توانند با انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادخواهانه و عدالت‌جوینانه‌اش سازگار باشند.

ما بی‌شک که اتحاد شوروی، پس از ۶۲ سال که از انقلاب‌ش می‌گذرد و با آن که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم چنان آماج انواع توطئه‌های جنایتکارانه آمریکا جهانخواز است. خلق کره بیش از سی سال است که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای سربلندی بخش جنوبی میهن خود از چنگال خونین راهزنان فاسد، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق کوبا بیست سال است که با محاصره اقتصادی و دیگر توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا در سربلندی است. خلق ویتنام سی سال از کار قهرمانانه زبند تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت. و هنوز هم مدام، از شمال و غرب و جنوب و شرق، آماج توطئه‌های آمریکا و خائنان چینی و مزدوران آمریکا و چین در کشورهای همسایه خویش است.

خلق آنگولا، که پس از قرن‌ها سربلندی و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید، امروز دست‌خوش هتیم امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای جنوبی است. خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن، دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان و هر خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که توانست‌است استقلال خود را بدست آورد و در راه تأمین آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد، هدف توطئه‌های راهزنانه پایان‌ناپذیر امپریالیسم آمریکا و دستارانش قرار دارد. خلق فلسطین با اسرائیل آمریکائی دست و پنجه نرم می‌کند. خلق صحرا با شاه حسن، دست‌نشانده دیگر آمریکا، و خلق نامیبیا با آفریقای جنوبی، دستار امپریالیسم جهانی، در پیکار مرگ و زندگی است.

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، دشمن شماره یک جامعه بشری، مبارزه‌ای است طولانی، و دشوار و پرنج. سادگی‌هاست اگر تصور شود که با پیروزی ما در این یا آن نبرد جداگانه، مبارزه با امپریالیسم جهانخواز آمریکا، پایان خواهد پذیرفت. این دشمن، تاکنون توانسته‌است در کشورهای چون اندونزی، فیلیپین، مصر، کنگو، سودان، برتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبه‌رو سازد. تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ایثار در مبارزه مرگ‌و‌زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گردن این دشمن شریر جامعه انسانی معون دارد.

تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگنگری، خودمختاری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد سبب می‌شود علیه دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب ستمدترین محیط را پدید می‌آورد. در چنین تحمیط‌هایی است که دشمنان مکار و دارنده انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زنند، با کمک آنها نهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر، تا حد ایجاد برخورد‌های خونین برادرکشی، می‌رویانند.

مسافرت هیئتی از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دبیرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دموکراتیک خلق کره، مسافرت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الجزایر، لیبی، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جبهه پایداری، دیدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دیدار با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا - همه گواه بر این واقعیت است که در جهان ما، همه نیروهایی که در یک آماج اساسی و تعیین کننده، یعنی در مبارزه علیه تسلط جاگیرانه امپریالیسم جهانخواز و ارتجاع سیاه جهانی به سرکردگی آمریکا، با یکدیگر شرکت، صرفنظر از معتقدات مذهبی، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود، جبهه جهانی مشترک مظلومی را علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند.

باتوجه به این واقعیت، این سؤال پیش می‌آید که: پس چرا نمی‌شود همان عاملی را که کم‌ابیل سون و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را در یک جبهه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند، و با حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم، یعنی مسائل مربوط به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به موافقت می‌رساند، در کشور ما نیز به کارگرفته شود تا مبارزان بی‌روخط امام خمینی و توده‌ای و مدافع



بیانیه مشترک...

(اکثریت) بنسب مسگیری استقلال طلبانه و آزادخواهانه و عدالت جویانه امام و سایر نیروهای وفادار به این آماجها، در یک صف واحد متحد گردیدند. منظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، این عامل تاریخی جهانی، یعنی ضرورت اتحاد همه نیروهای مبارز ضد امپریالیسم و ضد استبدادگری درون یک کشور و سراسر جهان را می توان و باید در جامعه ما بکار گرفت. سرسخت انقلاب ما به این امر بستگی دارد.

این آن حلقه اساسی در زنجیر عوامل گوناگون است که، با بدست گرفتن آن می توان کلاف درهم پیچیده را گشود و کونا نه ترین، درست ترین و کم رنج ترین راه را برای چیره شدن بر دسوازیها یافت.

بی اعتنائی به این ضرورت تاریخی، انقلاب ما را در پی راهها سرگردان خواهد کرد.

برادران و خواهران همزم!

سایید، همه نیروهای خود را برای تحقق اتحاد بزرگ تاریخی خویش به کار گیریم. فراموش نکنیم که اتحاد، برنده ترین سلاح ما در پیکار علیه دشمنان انقلاب است و درست به همین جهت نیز دشمنان انقلاب ما تمام نیروی جسمی خود را برای جلوگیری از تحقق چنین اتحادی به کار انداخته اند.

بر ما است که این توطئه دشمنان انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران را با ناکامی روبه رو سازیم.

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!
پیروز باد انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آبان ۱۳۶۰

نقل از:

کتاب ۱۳۴ ازگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

